



The effect of Cognitive Saturation on Failure-Behavior and its relation to mode of Action Control

Fariborz Bagheri, PhD

بررسی تأثیر "سیری شناختی" بر روی "واکنش شکست" و رابطه آن با "حالت‌های کنترل عمل"

دکتر فریبرز باقری^۱

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۱۸

تاریخ بازنگری: ۸۸/۱۰/۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۷/۵

Abstract

In relation to study Failure-Behavior, the theories which study Action Control process play the pivotal role in psychological studies of Germany. This survey is an attempt to assess one of the most important theories of Action Control, i.e. Julius Kuhl's theory which has addressed this issue. Despite Julius Kuhl's Action Control theory which explains the difference of Failure-Behavior by means of activated action control, this study assumes that the interaction of human beings with the environment in general and Failure-Behavior in particular is determined by the variable of "Cognitive Saturation Rate". This variable has direct impact on "Beyond-Objectives" prioritizing pursued by people when doing actions. Prioritizing each one of the Beyond-Objectives which is understood and adjusted by Cognitive Saturation Rate, paves the ground for specific kind of Failure-Behavior. In order to categorize the examinees into two groups of state-Oriented and Action-Oriented, SSI-K scale was used. To categorize the examinees into two groups of Cognitive Hunger and Cognitive Saturation, they were given the same assignment with different guidelines. In order to establish failure feeling and register relevant dependent variables, simulation software for this specific survey was made and used by the programmers. Dependent variables include "waiting relevant to the role of action in line with materializing the intention", "Failure-Behavior" and "Focus Scope". Each one of these variables was operationally defined by means of concrete indexes.

Keywords:

Action-control, Cognitive Saturation and Failure-Behavior

چکیده

در ارتباط با مطالعه واکنش شکست، نظریه‌هایی که به بررسی فرایند «کنترل عمل» می‌پردازند جایگاه محوری تری را در تحقیقات روانشناسی آلمان به خود اختصاص می‌دهند. در این پژوهش یکی از مهمترین نظریات کنترل عمل یعنی نظریه یولویس کول، مورد نقد قرار می‌گیرد. بر اساس این نظریه، تفاوت واکنش شکست به واسطه حالت کنترل عمل فعال شده توضیح داده می‌شود. اما بر اساس مفروضات این پژوهش، تعامل انسان با محیط بطور اعم و واکنش شکست بطور اخص، توسط متغیر «میزان سیری شناختی» تعیین می‌شود. این متغیر، تأثیر مستقیم بر الویت بندی «فرا-اهدافی» دارد که افراد از به انجام رساندن عمل، آن را دنبال می‌کنند. رجحان هر یک از فرا-اهداف که توسط میزان سیری شناختی درک شده، تنظیم می‌گردد، زمینه را برای نوع خاصی از واکنش شکست مهیا می‌سازد. به منظور تقسیم آزمودنی‌ها به دو گروه وضعیت گرا و عمل گرا مقیاس SSI-K مورد استفاده قرار گرفت و جهت تقسیم آزمودنیها به دو گروه گرسنگی و سیری شناختی به آزمودنیها تکلیفی واحد اما با دستورالعملهای متفاوت جهت انجام، ارائه گردید. برای ایجاد حس شکست و ضبط متغیرهای وابسته مورد نظر، نرم افزار شبیه سازی، خاص این پژوهش توسط مهندسين برنامه نویس ساخته و بکار گرفته شد. متغیرهای وابسته شامل «انتظار مربوط به نقش عمل در راستای تحقق قصد»، «واکنش شکست» و «دامنه تمرکز» بود. هر یک از این متغیرها به کمک شاخصهایی عینی تعریف عملیاتی شدند. تنها یافته‌های مربوط به شاخص‌های متغیر اول، بطور هماهنگ فرضیه پژوهش را تأیید می‌کنند.

کلیدواژه‌ها

کنترل عمل، سیری شناختی، واکنش شکست.



مقدمه

دلیل فقدان هیجان‌ات منفی، پویایی فرایند عمل نیز تهدید نمی‌شود. تفاوت افراد در واکنشهایی که در برابر شکستها از خود نشان می‌دهند، سبب توجه بخشهای مختلف روانشناسی، مخصوصاً روانشناسی بالینی برای پاسخگویی به این سؤال شده است، «به چه دلیل افراد واکنشهای متفاوتی در برابر شکستها و بحرانها از خود نشان میدهند؟».

برون شتاین (۱۹۹۵) به طور مفصل به این مقوله پرداخته و در این رابطه، عوامل بسیاری که در تحقیقات علمی نام برده شده است را گردآوری کرده است. براساس گزارش وی، برای شرح و توضیح علل تفاوت واکنشهایی که افراد در برابر شکستها و بحرانها از خود نشان می‌دهند، مدل‌های علمی بی‌شماری بوجود آمده است. بر اساس مدل‌های موجود، مهمترین این عوامل عبارتند از ترس (لاول، متالسکی، کنی، ۱۹۷۹)، سبکهای اسنادی

(فولیت و جاکبسن، ۱۹۸۷؛ میکولینسر، ۱۹۸۸)، تصور میزان کنترل (پیتمن و پیتمن، ۱۹۷۹) انگیزش کارآمدی (جاردین و وینفیلد، ۱۹۸۱). عزت نفس (بومیستر، تیس، شروگر و سورمان، ۱۹۷۷)، وجود اهداف جایگزین (بکمان، ۱۹۹۴) و همچنین ارزش اهداف شکست خورده و میزان اهمیت آن برای اهداف کلان (برونشتاین، ۱۹۹۰). علاوه بر عوامل نامبرده در سالهای اخیر نقش «خودتنظیمی ارادی» در تعقیب پویای اهداف (گلوپتزر، همکاران، ۲۰۰۷) «فعال و غیرفعال کردن تعهد به قصد» در واکنش شکست (هندرسون و همکاران، ۲۰۰۷) مورد توجه بیشتر پژوهشها قرار گرفته است.

همانگونه که از گزارش برونشتاین نیز مشخص است، در راستای تبیین علمی واکنش شکست در حوزه روانشناسی آلمان، عوامل شناختی در چارچوب «رفتارهای هدفمند»، و فرایند اینگونه رفتارها بویژه در هنگام تعویق اجباری و یا مواقع شکست و بحران، مورد توجه خاص قرار دارد

سرخوردگیها، از دست دادن آنها، جداییها و شکستها بخش مهمی از طیف گسترده تجربیات روزمره بشری هستند. اینگونه وقایع علاوه بر پیامدهای مادی، در غالب موارد با هیجان‌های قدرتمندی همانند سرافکنندگی، ترس و شرم نیز می‌تواند همراه باشند و محصول دو فرایند خودسنجی و سنجش از سوی محیط اجتماعی هستند. نحوه سنجش سرخوردگیها و هیجان‌های ناشی از ارزیابی آنها، بیش از هر چیز سرنوشت اهداف و تحقق آنها را تحت تأثیر خود قرار میدهند. شکستها می‌توانند در پارهای موارد منجر به منفعل شدن فرد و یا یک گروه اجتماعی بشوند، آنگونه که آنها برای مدت طولانی کارایی، توانمندی و مولد بودن خویش را از دست بدهند. در این حالت فرد و یا گروه، توان پاسخگویی به ضروریات و حل تکالیف معمول زندگی را از دست می‌دهد و نظام زندگی در معرض خطر فروپاشی قرار میگیرد. اما برخلاف این گروه با چنین واکنشی، گروه دیگری از افراد نیز هستند که در برابر شکستها و بحرانها بجای انفعال، حزن و سرافکنندگی، تلاش و سعی بیشتری از خود نشان میدهند و در صورت لزوم با تمرکز و انگیزش بیشتر، دست به کشف و یا خلق راهها و اهداف جایگزین میزنند.

سازه «واکنش شکست» عبارتی است که مفهوم آن، پدیده رفتاری که در بالا توصیف آن رفت، را در برمی‌گیرد و منظور از آن نحوه برخورد فرد در شرایطی است که وی تحقق هدف خود را غیر ممکن می‌یابد. نحوه واکنش معمولاً به دو گروه تقسیم می‌شود. در گروه اول، فرد هیجان‌ات منفی همانند سرافکنندگی، ترس، ناامنی، شرم و غم را تجربه میکند، فرایند عمل، پویایی خود را از دست می‌دهد و توان تنظیم و کنترل عمل از دست فرد خارج میگردد. در گروه دوم، بالعکس فرد بعد از تجربه شکست، به تولید راه حل و یا ایجاد اهداف جایگزین میپردازد و به



حائز اهمیت هستند، از چشم انداخته است. این از چشم انداختن تلویحاً بر این فرض مبتنی است که گزینش یک هدف، همزمان به معنی تحقق بی قید و شرط آن هدف نیز است، در حالیکه بر اساس نظریه کنترل عمل، جهت تحقق هدفی گزیده شده، فرایندهای روانشناختی خاص ضروری است که در ارتباط با حل دو مشکل بر سر راه تحقق اهداف حائز اهمیت میشوند. ریشه‌های تاریخی نظریه کنترل عمل کول به روانشناسی اراده آلمان در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بازمیگردد و با نامهایی همانند کولپه (۱۸۸۹)، آخ (۱۹۰۵)، سلز (۱۹۱۰) و هوپه (۱۹۳۰) همراه است (اسچپفلاگ، ۲۰۰۴). از سال ۱۹۸۳ تا به کنون نظریه کنترل عمل کول تحولات بیشماری را تجربه کرده است. در ویراست سال ۱۹۹۴ آن، که مهمترین ویراست این نظریه نیز میباشد، کول و همکارش گوشکه (۱۹۹۴a) نظریه‌های جامع را عرضه کرده‌اند که همزمان به دو موضوع «ساختار کارکردی دستگاه روان انسان» و «فرایند ارادی تنظیم عمل» میپردازد. در اینجا فقط نظریه کنترل عمل کول یعنی فرایند ارادی تنظیم عمل توضیح داده می‌شود.

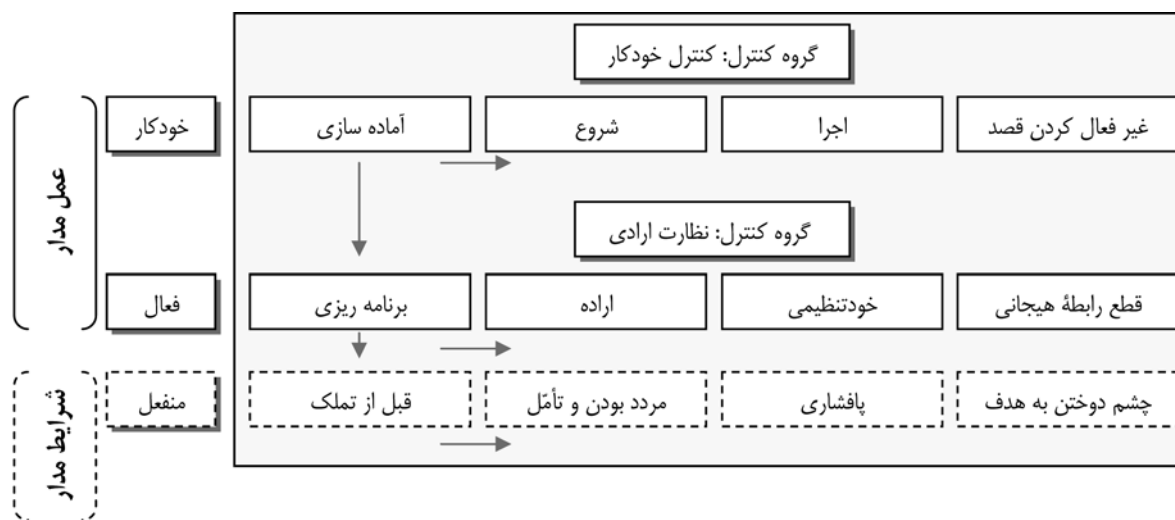
دو مفهومی که یولیوس کول در نظریه اش (۲۰۰۴، ۲۰۰۹، ۱۹۹۶) ارائه می‌دهد یعنی عبارات «عمل گرا» و «وضعیت گرا» به «فرایند» کنترل ارادی عمل و همچنین به توضیح «تفاوت‌های فردی در قابلیت کنترل ارادی عمل» میپردازد. همانطور که در تصویر شماره ۱ نیز آمده است، فرایند عمل در گذر از چهار مرحله گوناگون صورت می‌گیرد. این مدل میان دو گروه از کنترل یعنی «خودکار» و «نظارت ارادی» تفکیک قائل می‌شود و گروه نظارت ارادی به نوبه خود به دو سطح کنترل شده «فعال» و «منفعل» تقسیم میشود. گرچه فرایند عمل در گذر از چهار مرحله صورت میگیرد اما با توجه به اینکه این فرایند در کدام یک از سطوح کنترل در جریان است، این چهار مرحله میتوانند اشکال متفاوت به خود گیرند.

(اسچپفر و کوهل، ۲۰۰۸؛ گلویتزر، ۱۹۹۱؛ گاسچک، ۱۹۹۶). در این رویکرد جدید، رفتارهای هدفمند با عبارت «عمل» مشخص میشوند و در مقابل عبارت «رفتار» قرار می‌گیرد. مهمترین تفاوت عمل و رفتار در «هدفمند» بودن عمل است. بروز رفتار به محرکها و یا پیامدها وابسته است، اما «عمل» به کل یکپارچه‌ای از فعالیتهای اطلاق میگردد که بطور منسجم و هماهنگ در خدمت یک هدف و تحقق آن قرار دارد. گزینش این هدف بطور خودآگاه صورت میگیرد و بدین ترتیب از واژه‌های کلیدی که در ارتباط با سازه «عمل» مطرح میشود و رفتار فاقد آنها است عبارتاند از «قصد»، «گزینش هدف» و «خودآگاهی» (کورین و کوهل، ۲۰۰۹).

از مهمترین و مطرح‌ترین نظریات که مدلی علمی در باره «فرایند عمل» و «کنترل عمل» ارائه شده است و در تبیین پدیده واکنش شکست نقش مهمی دارد، نظریه کنترل عمل یولیوس کول (۱۹۸۳، ۲۰۰۹، ۲۰۰۴، ۱۹۸۷a, ۱۹۸۷b, a) است. این نظریه - در ارتباط با واکنش شکست - تأکید بر دو حالت متفاوت کنترل عمل دارد. فعال شدن هر یک از این حالات، منتج به واکنشی متفاوت در برابر شکست می‌شود. هدف این پژوهش نیز بررسی علمی واکنش شکست از دیدگاه روانشناسی شناخت و در ارتباط با کنترل عمل است. در این راستا نظریه کنترل عمل یولیوس کول مورد نقد قرار میگیرد.

نظریه کنترل عمل یولیوس کول

سال ۱۹۸۳ برای اولین بار یولیوس کول با طرح ضرورت تفکیک میان دو فرایند «انگیزش» و فرایند «اراده» تحت عناوین «انگیزش گزینش» و «انگیزش تحقق» به نقصان روانشناسی انگیزش اشاره کرد. بر اساس نظریه روانشناسی انگیزش فقط به موضوع فرایند گزینش اهداف پرداخته و تحقق اهداف و تمامی فرایندهای روانشناختی را که در این راستا



تصویر ۱- سطوح مختلف فرایند کنترل ارادی عمل بر اساس نظر یولیوس کول ۱۹۹۴.

قصد فعلی ضروری است. تشخیص وجود چنین ذخائر آموخته شده‌ای زمینه را برای اجرای بلافاصله، ایجاد میکند. فرایند تحقق در مرحله چهارم هنگامی پایان یافته، اعلام خواهد شد که شرایط موجود با شرایط مطلوب یکی و یا بطور نسبی شبیه باشد.

بدین ترتیب «عملگرا» یکی از دو حالت شناختی در فرایند کنترل ارادی است که شامل دو سطح کنترل خودکار و سطح کنترل ارادی فعال است. تنظیم رفتار در سطح کنترل خودکار موجب سرعت واکنشها میشود زیرا پاسخگویی به محرکها به کمک برنامه‌های رفتاری از قبل فراگرفته شده صورت میپذیرد. بالعکس، در تنظیم رفتار در سطح ارادی آرام و غیر سیال انجام میگردد و علاوه بر آن تحقق دو قصد بطور همزمان نیازمند به هماهنگیها و نیروی بیشتری دارد (گوشکه ۱۹۹۶).

بر اساس نظریه کول هر قصد متشکل از دو بخش «ساختار» و بخش «پویا» است. به لحاظ ساختار، قصد شامل چهار عنصر اصلی است که در شبکه حافظه بازنمایی می‌شوند. این عناصر عبارتند از:

۱. ابعاد مختلف خود (subject)
۲. شرایط موجود،

این چهار مرحله در سطح خودکار شامل آماده سازی، شروع، اجرا و غیرفعال کردن قصد میشود در صورتیکه در سطح فعال شامل نظارت ارادی شامل برنامه ریزی، اراده، خودتنظیمی و قطع رابطه هیجانی از هدف میشود. اما در گروه نظارت ارادی سطح منفعل این چهار مرحله عبارتند از: قبل از تملک، مردد بودن و تأمل، پافشاری و چشم دوختن به هدف.

پیکانه‌های افقی و عمودی در تصویر ۱ بیانگر مسیرهایی است که فرایند عمل در حین تحقق یک قصد می‌تواند از آن گذر کند. برای گذر از هر مرحله به مرحله بعدی (پیکان افقی) در هر یک از سه سطح شروط خاصی وجود دارد. فقدان شروط لازم موجب میشود که فرایند تحقق عمل، سطح اولیه خودکار را ترک کرده (پیکان عمودی) و به سطح فعال کنترل ارادی رفته و در آنجا سیر تحقق را ادامه دهد. فقدان شرایط لازم، جهت گذر از مراحل چهارگانه در این سطح نیز به نوبه خود سیر تحقق قصد را بسوی سطح کنترل ارادی منفعل سوق می‌دهد. شرط ضروری برای شروع عمل در سطح خودکار، وجود کنش و یا واکنشهای از قبل یادگرفته شده است که برای تحقق



تقسیم کرد. این سه نوع انتظاری که همراه با هر فعالیت قصدمند انسان همراه هستند عبارتند از:
 ۱. انتظار مربوط به نقش عمل در راستای تحقق قصد: به معنی تصور و انتظار فرد عمل کننده است در رابطه با میزان احتمالی که «عمل وی» می تواند تحقق قصد مورد انتظار را امکان پذیر کند.

۲. انتظار مربوط به نقش محیط در راستای تحقق قصد: به معنی تصور و انتظار فرد عمل کننده است در رابطه با میزان احتمالی که «شرایط موجود» میتواند تحقق قصد مورد انتظار را امکان پذیر کند.

۳. انتظار مربوط به نقش عمل برای کسب نتایج دلخواه: به معنی تصور و انتظار فرد عمل کننده است در رابطه با میزان احتمالی که «نتایج حاصل از تحقق قصد»، پاسخ به همان نیاز و یا قصد مورد نظر خواهد بود.

انتظار سوم اشاره به نقش ابزاری عمل، جهت کاهش تنشهای ناشی از نیازها و یا تکانشها و یا به کلامی دیگر کاهش تنش ناشی از فاصله میان شرایط موجود و شرایط مطلوب دارد. بالعکس، انتظار اول و دوم اشاره به نقش عمل بعنوان ابزاری جهت تطبیق شناختی دارند زیرا آنها شامل نگرشهای فرد در باره ویژگیهای ساختار و کارکرد جهان پیرامون فرد است و هر گونه تغییر در این دو انتظار، برابر است با تغییر در ساختارهای شناختی فرد در باره محیط فیزیکی و اجتماعی که فرد در آن سعی در تحقق قصدهای خود میکند.

تعیین الویت هر یک از این دو نوع کارکردهای عمل، نه تنها مشخص میکند که فرد چه نوع تعاملی با بازخوردها داشته باشد بلکه نحوه تعامل با بازخوردها نیز به نوبه خود، چگونگی واکنش شکست در هنگام سرخوردگیها را مشخص می کند.

یکی از کارکردهای مهم عمل انسان که در علم فلسفه نیز بطور مفصل به آن پرداخته شده است

۳. شرایط مطلوب،
۴. استراتژیهای رفتاری لازم که جهت رفع فاصله میان شرایط موجود و مطلوب الزامی است (Object)
۵. ویژگیهای شرایطی که در آن قصد، تحقق میپذیرد (Context)
۶. کیفیت تعهد نسبت به تحقق قصد (Relation)

سیری شناختی و تأثیر آن بر فرایند عمل

در نظریه کول و گوشکه فرایند «بازخورد» از آن جهت در تنظیم عمل حائز اهمیت است که بازخوردهای نتایج عمل، مشخص میکند که آیا موانع و یا الزاماتی برای ادامه، قطع و یا تعویق فرایند تحقق قصد از سوی محیط وجود دارد یا خیر. تحقق این تصمیم به نوبه خود از طریق کنترل ارادی و تنظیم عمل انجام میگردد. از سوی دیگر این نظریه پردازان، نقصان در عناصر قصد را در نحوه واکنش شکست مؤثر میدانند بدین گونه که با توجه به چگونگی شاکله قصد، میتواند حالت شناختی وضعیت گرا یا عمل گرا فعال گردد. علی رغم اهمیت بازخوردها و شاکله قصد در نظریه تنظیم عمل کول، بررسیهای دقیق تر نشانگر این نکته است که در این نظریه به نقش بازخوردها در اصلاح عناصر قصد و تأثیر نحوه برخورد با نقصانها بر روی تنظیم کنترل ارادی عمل مورد بررسی قرار نگرفته است. موضوعی که مفهوم «سیری شناختی» بدان می پردازد اهمیت بازخورد در تنظیم کنترل ارادی عمل از طریق ترمیم عناصری است که لحاظ آن در قصد الزامی است. بدین ترتیب سیری شناختی در واقع بعنوان متغیر مستقلی در این پژوهش مطرح است که بر روی چگونگی بکارگیری بازخوردها و طبعاً بر روی نحوه تنظیم عمل تأثیر میگذارد. این تأثیر از طریق الویت بندی «انتظاری» انجام میشود که فرد از فرایند عمل در خود ایجاد میکند. هک هاوزن (۱۹۷۷) از سه نوع انتظار سخن میگوید که می توان آنها را به دو نوع «کارکرد عمل»



تصویر ۲- ارتباط علی میان سازه‌های مطرح بر اساس فرضیه این پژوهش.

جهان بیرون هستند و آنها را از طریق بازخوردها به ما گزارش میدهند. عبارت «یادگیری از روی خطا» عنوان کتابی (برکسون و ویتستن، ۱۹۸۴) است که به مفاهیم روانشناسی یادگیری در نظریه فلسفه علم پوپر می‌پردازد به اهمیت خطا برای رشد شناختی و فرایند یادگیری اشاره می‌کند.

سؤالی که در ارتباط با نقش کارکردی عمل بعنوان فرایند تطبیق ساختارها از طریق بازخوردها مطرح می‌شود این است که آیا بهره‌گیری از بازخوردها در جهت اصلاح ساختارهای شناختی در تمامی افراد و در تمامی شرایط بطور یکسان تحقق مییابد؟ آیا گرسنگی شناختی که بر اساس نظر پوپر، حسی ذاتی است در روبرویی با هر خطا و در هر شرایطی در تمامی افراد برانگیخته خواهد شد و اطلاعات حاوی در خطا از طریق بازخورد در فرایند حل مسئله گنجانده می‌شود؟ آیا تفاوت‌های درون - و میان فردی به لحاظ نحوه بکارگیری اطلاعاتی که در بازخوردها است وجود دارد؟

هم مشاهدات روزمره ما و هم بسیاری از نظریات روانشناسی مؤید آن هستند که بهره‌گیری از بازخوردها در جهت اصلاح ساختارهای شناختی بین افراد و در شرایط مختلف بطور یکسان انجام نمی‌گیرد. تقریباً تمامی نظریات شناختی تأیید کننده‌گزینه‌ی بودن فرایند ادراک انسان هستند. اما نکته مهمتر این است که بسیاری از نظریه‌های مطرح در روانشناسی اجتماعی (جوناس، ۲۰۰۷) مؤید این معنی هستند که اطلاعاتی گزینش می‌شوند که در جهت تأیید ساختارهای شناختی هستند. از سوی دیگر پژوهش‌های متعددی (استورمر، ۲۰۰۹) اشاره به خطاهای اسنادی به این

(شیفرت، ۱۹۹۲) و بعد از انقلاب شناختی در عرصه روانشناسی بیش از پیش حائز اهمیت شد، نقش عمل انسان برای نزدیکی و تطبیق مدل‌های شناختی وی به ساختارهای واقعی در جهان فیزیک و جهان اجتماعی است. در اینجا عمل بعنوان ابزاری برای تولید شناخت مطرح میگردد. رشد شناختی به معنی افزایش کمی دانسته‌ها در باره خود و جهان پیرامون نیست، بلکه به معنی نزدیکی مدل شناختی به ساختارهای واقعی است. ضرورت نزدیکی ساختارهای شناختی با ساختارهای دنیای واقعی به دلیل اهمیت آن برای ارتقاع میزان کارآمدی رفتار و یا عمل انسان است. بدین ترتیب «عمل» در واقع پل ارتباطی میان ساختارهای شناختی انسان با ساختارهای واقعی است. از این رو می‌توان عمل را به لحاظ کارکرد بایک دستگاه مکانیکی (بعنوان مثال موتور اتومبیل) مقایسه کرد. همانگونه که یک دستگاه مکانیکی هدف خود را هنگامی می‌تواند به انجام برساند که در ساختارهای فیزیکی آن، قوانین و ساختارهای جهان فیزیک (قوانین مکانیک) گنجانده شده باشد، هر عمل نیز هنگامی می‌تواند با موفقیت، قصدمندی خود را تحقق بخشد و دومین کارکرد خود یعنی کاهش تنش و یا افزایش رضایت‌مندی را ایفا کند که قوانین حاکم بر جهان فیزیک و جهان اجتماعی در آن لحاظ شده باشند یا به کلامی دیگر ساختارهای درون و بیرون نزدیک به یکدیگر باشند.

از این رو شکست‌ها از آن جهت برای رشد شناختی و ارتقاع سطح کارآمدی عمل و کنترل ارادی حائز اهمیت هستند که حاوی اطلاعات مهمی در باره عدم همخوانی میان ساختارهای شناختی و ساختارهای



در این راستا از میان دانش آموزان مدارس، دانشجویان کالج و دانشکده‌ها، کارگران کارگاه‌های صنعتی و همچنین زندانیان زندان شهر که اعلام آمادگی برای همکاری کرده بودند به طور تصادفی افرادی گزینش شده و به لحاظ کنترل عمل به دو گروه وضعیت گرا و عمل گرا و به لحاظ سیری شناختی به دو گروه در وضعیت سیری شناختی و در وضعیت گرسنگی شناختی تقسیم شدند. جمعیت نمونه شامل ۴۸ پسر و ۶۰ دختر شرکت کننده در پژوهش است. معیارهای شمول شامل خصوصیت سن و ساکن بودن در شهر مونسستر، صرف نظر از ملیت افراد است و معیارهای خروج عبارتند از اینکه آزمودنیها تمامی پرسشنامه را بطور کامل پاسخ نداده باشند و یا اینکه دستورالعمل آزمون حسی - حرکتی را اشتباه متوجه شده آنگونه که این امر موجب تحریف داده‌ها گردیده است. با توجه به این معیارها، در هنگام پردازش آماری داده‌ها، ۲ نفر در گروه کنترل عمل بدلیل نقصان قابل ملاحظه در داده‌های آنها از پژوهش خارج شده و به همین دلیل ۲ تن نیز در گروه سیری شناختی بطور تصادفی حذف گردیدند و بدین ترتیب تعداد افراد لحاظ شده در پژوهش به ۱۰۴ نفر تقلیل یافت.

ابزار

به منظور تقسیم آزمودنیها به دو گروه وضعیت گرا و عمل گرا، مقیاس K-SSSI مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه سال ۲۰۰۰ توسط یولیوس کول و فورمن ساخته شده است که فرم تکمیل شده ویراستهای قبلی پرسشنامه‌هایی است که بر مبنای نظریه کنترل عمل کول ساخته شده‌اند. پرسشنامه مذکور شامل ۱۱ خرده مقیاس و ۵۶ ماده است که شامل اظهاراتی در باره میزان شدت، توزیع و تداوم برخی تجربیات روزمره است. آزمودنی هر اظهار در پرسشنامه را با مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای پاسخ می‌گوید. یازده خرده مقیاسها عبارتند از ۱.

معنی دارند که اسنادها معمولاً در جهت ارتقاع و یا حفظ عزت نفس و ارزش خود صورت می‌گیرد.

بطور خلاصه می‌توان گفت، این پژوهش عامل تفاوت در واکنش شکست و بهره‌گیری از اطلاعات حاوی در باز خورد خطاها و شکستها در جهت تطبیق شناختی (اصلاح نقصان در عناصر قصد) را در تفاوت الویت بندی انتظاری میدانند که فرد از «کارکرد عمل» دنبال میکند. و میان دو کارکرد شناختی و کارکرد ابزاری تفکیک داده می‌شود. تفاوت در رجحان هر یک از این کارکردها را این پژوهش نیز به نوبه خود محصول میزان «سیری شناختی» درک شده توسط فرد میدانند.

بدین ترتیب فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از: میان گروه سیری و گرسنگی شناختی تفاوت معناداری به لحاظ متغیر «انتظار مربوط به نقش عمل در راستای تحقق قصد» وجود دارد.

میان گروه سیری و گرسنگی شناختی تفاوت معناداری به لحاظ متغیر «میزان دامنه تمرکز» وجود دارد.

میان گروه سیری و گرسنگی شناختی تفاوت معناداری به لحاظ متغیر «واکنش شکست» وجود دارد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر به لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، از نوع آزمایشی دو عاملی و هر عامل با دو سطح است. در آن تأثیر دو متغیر مستقل ۱. میزان سیری شناختی با دو سطح (گرسنگی - سیری) و ۲. حالت کنترل عمل با دو سطح (وضعیت گرا-شرایط گرا) بر روی واکنش شکست مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، جمعیت دختر و پسر ۱۵ تا ۳۰ ساله شهر مونسستر است. برای گردآوری داده‌ها از شیوه نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد.



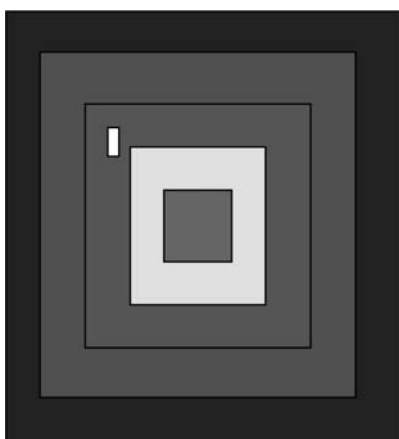
رنگ در بزرگی آنها بود. هر چقدر محیط کوچکتر، به همان اندازه تکلیف انتخاب شده یعنی کنترل نقطه نورانی در آن محیط کوچک طبعاً سخت تر بود. بر اساس دستور العمل آزمون حسی - حرکتی، موفقیت در هر محیط با نمره خاصی پاداش داده میشود. اما برنامه شبیه سازی به گونه طراحی شده بود که کشف قواعد رفتار و واکنش نقطه نورانی سفید در مقابل دخالت‌های آزمودنی عملاً غیر ممکن بود.

جهت ارزیابی دامنه تمرکز آزمودنیها در حین انجام تکلیف حسی - حرکتی، در بالای صفحه رایانه به فاصله ۳ ثانیه دو لغت، یکی در سمت راست و دیگری سمت چپ صفحه رایانه ظاهر می شدند. پس از ۳ ثانیه مکث دو لغت دیگر. در مجموع ۲۰ جفت لغت ارزیاب گردید. وظیفه آزمودنی توجه به لغاتی بود که در سمت راست صفحه نمایشی ظاهر می شوند. این لغات برخلاف لغات سمت چپ به لحاظ معنا ارتباطی با تکلیف حسی - حرکتی که آزمودنیها در حال انجام آن بودند، نداشتند. در پایان آزمایش پس از آنکه آزمودنیها تصمیم به خروج از برنامه می گرفتند، یک آزمون بازیابی حافظه انجام گرفت. لیستی، شامل ۸۰ لغت که حاوی ۴۰ لغت

خودانگیزی، ۲. کنترل سطح برانگیختگی، ۳. استقلال در عمل، ۴. مراقب نسبت به وضعیت در آینده، ۵. مردد بودن و تأمل و انفعال، ۶. خودانتقادی و مشکل تمرکز، ۷. چشم دوختن به هدف، ۸. قدرت تطبیق، ۹. نگرانی و وضعیت گرایی بعد از شکست، ۱۰. استرس و ۱۱. تجربه حس تهدید.

به منظور تقسیم آزمودنیها به دو گروه گرسنگی و سیری شناختی به آزمودنیها تکلیفی واحد اما با دستورالعملهای متفاوت جهت انجام ارزیاب گردید. دستورالعمل هر گروه به گونه‌های تعریف و طراحی شد که احساس میزان سیری شناختی مورد نظر ایجاد گردد. دستورالعمل گروه گرسنگی شناختی به نوعی بود که در آنها حس کامل بودن عناصر قصد جهت انجام تکلیف اجرا ایجاد می کرد آنگونه که برای انجام تکلیف حسی - حرکتی نیازی به اطلاعات جدید در خود حس نکنند. بالعکس در گروه گرسنگی شناختی دستورالعمل به نوعی توصیف شد که در آزمودنی حس نیاز به آگاهی بیشتر جهت انجام موفقیت آمیز تکلیف ایجاد گردید.

جهت ایجاد حس شکست و همچنین ضبط داده‌های مورد نظر، نرم افزار شبیه سازی خاص این پژوهش توسط مهندسين برنامه نویسی ساخته شد. بر روی صفحه رایانه، آزمودنیها چندین مربع با اندازه‌ها و رنگهای مختلف همانند تصویر شماره ۳ مشاهده می کردند. در روی این مربعها نقطه نورانی سفید رنگ متحرکی به زوایای مختلف صفحه رایانه حرکت میکرد. جهت کنترل نقطه نورانی توسط آزمودنیها دستگاه جویستیک به رایانه متصل بود. نقطه نورانی در مقابل اعمال آزمودنیها از خود واکنش در جهت گریز از کنترل نشان می داد. وظیفه آزمودنیها کشف قواعد رفتار و واکنشهای نقطه نورانی و تلاش برای کنترل آن در یکی از چهار محیط قرمز، زرد، سبز، آبی رنگی بود که از قبل بعنوان هدف انتخاب کرده بودند. تفاوت این چهار محیط علاوه بر



تصویر ۳ - تصویر کوچک شده نرم افزار شبیه سازی که آزمودنیها بر روی صفحه رایانه مشاهده میکردند.



متغیر مستقل اول در این پژوهش عبارت است از «سیری شناختی» با دو مقوله سیری و گرسنگی شناختی. این متغیر مستقل از طریق رایانه دستورالعملهای متفاوت در دو گروه گرسنگی و سیری شناختی تحقق یافت. متغیر مستقل دوم عبارت است از «حالت کنترل عمل» با دو مقوله شرایط گرا و وضعیت گرا.

شیوه اجرا

آزمودنیها با این تصور که در یک آزمایش علمی حسی - حرکتی شرکت می کنند به محل آزمایش مراجعه کردند. پس از خوش آمد روند کلی پژوهش بدون بیان هدف واقعی آن، همراه با ایجاد اطمینان برای مخفی ماندن تمامی اطلاعات این آزمایش، توضیح داده شد. سپس آزمون حسی - حرکتی به کمک نرم افزار تولید شده انجام گرفت که در طی این آزمون همزمان هم حس سرخوردگی ایجاد شد و هم دادههای مورد نظر گردآوری گردید. وظیفه آزمودنیها در طول آزمایش حسی حرکتی به ترتیب شامل این نکات بود: ۱. مطالعه دستورالعمل که برای هر یک از دو گروه گرسنگی و سیری شناختی متفاوت بود، ۲. وارد کردن کد شخصی، ۳. تعیین میزان سطح دشواری تکلیف مورد نظر، ۴. تخمین کمترین و بالاترین نمرهای که آزمودنی آنها در آزمون حسی - حرکتی بدست خواهد آورد، ۵. شروع بخش اصل آزمون حسی - حرکتی و تلاش جهت کنترل نقطه نورانی، ۶. تصمیم گیری برای ادامه، تغییر سطح دشواری تکلیف و یا خروج کلی از برنامه و ۷. توجه به لغاتی که در قسمت بالای سمت راست صفحه رایانه ظاهر میشدند. طول زمان آزمون حسی - حرکتی یعنی زمان برای تحقق موفقیت آمیز هدف، توسط خود آزمودنیها مشخص می گردید. بر اساس دستورالعمل، آزمودنیها میتوانند آزمایش را حتی پس از چند ثانیه قطع کنند. نهایت زمان آزمون ۴۵

جدید و ۴۰ لغتی که در طی آزمایش ارایه شده بود و بطور تصادفی مرتب شده بودند بر روی صفحه رایانه ظاهر گردید. وظیفه آزمودنیها بازیابی تمامی لغاتی بود که در طول آزمایش، آنها را دیده و بخاطر می آوردند، صرف نظر از اینکه آن لغات در سمت راست یا چپ صفحه رایانه ظاهر گشته اند. تعداد ۶۰ لغتی که برای انجام تکلیف حسی - حرکتی بی اهمیت بودند از مجموعه لغاتی انتخاب شد که بر اساس فرهنگ توزیع مصرف لغات (روزنبرگ، ۱۹۷۲) متعلق به لغات بالا و پایین حد متوسط توزیع مصرف در زبان محاوره آلمانی قرار دارند. این قاعده برای انتخاب لغات مهم جهت انجام تکلیف حسی - حرکتی رعایت نشد. نرم افزار تولید شده علاوه بر ابزاری جهت ایجاد حس شکست، توانایی ضبط دادههایی را داشت که تعریف عملیاتی سه متغیر وابسته این پژوهش را تشکیل می دادند.

۱. متغیر وابسته «انتظار مربوط به نقش عمل در راستای تحقق قصد»: سطح و یا سطوح هدف تعیین شده توسط آزمودنی (شامل ۴ سطح از بسیار آسان یعنی بزرگترین مربع تا بسیار سخت یعنی کوچکترین مربع) احتمال موفقیت که در آغاز تخمین زده شد و همچنین متوسط نمراتی که آزمودنی در طول آزمون احتمال کسب آنها را می دهد.

۲. متغیر وابسته «دامنه تمرکز»: تعداد کلمات صحیح بازیابی شده و تعداد لغات بازیابی شدهای که متعلق به سمت راست صفحه رایانه هستند. همچنین تعداد کل لغاتی که بعنوان لغات بازیابی شده توسط هر آزمودنی علامت زده شد نیز ذخیر میگشت.

۳. متغیر وابسته «واکنش شکست»: تعداد شکستها (تعداد خروج نقطه نورانی از منطقه هدف تعیین شده) طول زمان تا رها کردن قصد (طول زمان تا خاتمه یک دوره آزمون و شروع یک دوره جدید با تعیین هدفی جدید و یا خروج کلی از برنامه).



حالت کنترل عمل		میزان سیری شناختی					
عمل گرا		وضعیت گرا		گرسنگی شناختی		سیری شناختی	
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
۰/۷۱	۰/۹۹	۰/۵۱	۰/۹۱	۰/۵۷	۰/۸۳	۰/۶۵	۱/۰۷
۲۲	۵۹	۲۲	۶۳	۱۶	۷۵	۱۹	۴۸
۱۱۰/۰۷	۱۵۷/۶۹	۹۶/۳۲	۱۶۲/۷۹	۸۴/۵۶۰	۱۰۵/۵۸	۹۰/۳۴۴	۲۱۴/۹۰
۵/۱۲	۳/۵۲	۵/۹۲	۴/۲۹	۶/۶۵	۵/۷۵	۲/۵۳	۲/۰۶
۲/۸۴	۵/۰۴	۲/۶۰	۴/۵۴	۲/۹۴	۴/۵۴	۲/۴۹	۵/۰۴
۵/۵۳	۵/۲۱	۶/۳۳	۶/۷۶	۵/۳۰	۵/۹۷	۶/۴۲	۶/۰۱
۱۷۲۳	۱۴۳۱	۹۵۰/۱۹	۱۰۱۱	۵۴۷/۵۳	۷۳۹/۴۸	۱۶۴۵	۱۲۷۷

جدول ۱- شاخصهای آماری میانگین و انحراف معیار شاخصهای مورد بررسی در چهار گروه پژوهشی

یافته‌ها

نحوهٔ ارایه یافته‌ها بر اساس رابطه‌های ممکن میان دو عامل مورد بررسی در این پژوهش انجام می‌گیرد. یعنی اثر اصلی عامل حالت کنترل عمل، اثر اصلی عامل سیری شناختی و تعامل این دو عامل.

جدول شمارهٔ ۱، شاخصهای توصیفی میانگین و انحراف معیار نمره‌های هفت شاخصی که تعریف عملیاتی سه متغیر وابسته این پژوهش یعنی «انتظار مربوط به نقش عمل در راستای تحقق قصد» (سطر ۱-۳)، متغیر «دامنهٔ تمرکز» (سطر ۴ و ۵) و متغیر «واکنش شکست» (سطر ۶ و ۷) می‌باشند را در چهار گروه پژوهشی سیری و گرسنگی شناختی همچنین گروه‌های حالت کنترل عمل گرا و وضعیت گران نشان می‌دهد. نتایج مندرج در جدول مذکور مؤید تفاوت میانگینها در دو گروه سیری و گرسنگی شناختی در شاخصهای ۱. متوسط سطح تکالیف، ۲. درصد میزان موفقیت، ۳. متوسط نمرات قابل دست یابی و ۴. لغات بازیابی شده در کل است. به لحاظ دیگر شاخصها، تفاوت بین میانگینها بطور برجسته وجود ندارد. مقایسهٔ میانگینها در هفت شاخص در این پژوهش در دو گروه عمل گرا و وضعیت گرا تفاوت فاحشی را مشخص نمی‌کند.

جدول ۲ نتایج اجرای واریانس دو راهه بر روی

دقیقه تعیین شده بود. در طول پژوهش هرگز استفادهٔ کوتاهترین و یا طولانی‌ترین زمان تعیین شده، مشاهده نشد. بعد از تصمیم آزمودنی به خاتمه دادن به تحقق قصد و خروج قطعی از برنامهٔ آزمون حسی - حرکتی، آزمون بازیابی لغات انجام یافت. در این بخش وظیفهٔ آزمودنیها بازیابی ۴۰ لغت ارایه شده در طول آزمون حسی - حرکتی از میان یک لیست شامل ۸۰ لغت بود. در آخرین مرحله پرسشنامهٔ K-SSI توسط آزمودنیها پاسخ داده شد. در پایان هدف واقعی آزمایش علمی برای آزمودنیها توضیح داده شد و از همکاری آنها با ارایه هدیه ای کوچک تشکر به عمل آمد.

روش آماری

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از میانگین، انحراف استاندارد و روش تحلیل واریانس دوراهه برای گروههای مستقل و تعداد برابر آزمودنی (۲۶ نفر) در هر چهار شرایط استفاده شد. انجام آزمون واریانس چندمتغیری (مانوا) مستلزم رعایت پیش فرض تساوی کوواریانسها و واریانسهای متغیرهای وابسته است. بر اساس نظر بورتس (۱۹۹۳) با توجه به مساوی بودن نمونه‌ها در دو گروه و بالاتر بودن تعداد آنها در هر گروه بیش از ۱۰ نفر، رعایت این پیش فرض ضرورتی ندارند.



متغیرها	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری	توان آماری
۱ متوسط سطح تکالیف گزیده شده	۱	۱/۴۴۲	۳/۸۳۹	۰/۰۵	۰/۲۵۸
۲ درصد میزان موفقیت	۱	۱۹۱۱۶/۳	۶۲/۹۶۵	۰/۰۰۰	۱
۳ متوسط نمرات قابل دستیابی	۱	۲۶۷۰۴۰۶	۴۰/۵۹۰	۰/۰۰۰	۱
۴ لغات بازیابی شده در کل	۱	۳۵۴/۴۶	۱۲/۹۸۴	۰/۰۰۰	۰/۸۳۴
۵ لغات بازیابی شده مهم	۱	۶/۵۰	۰/۸۷۶	۰/۳۵۲	۰/۰۴۹
۶ طول مدت شکست	۱	۰/۰۳۰	۰/۰۰۱	۰/۹۷۷	۰/۰۱
۷ تعداد شکست‌ها	۱	۷۵۳۸۴۶۱/۵۴	۵۰۲	۰/۰۲۷	۰/۳۵۵

جدول ۲ - نتایج تحلیل واریانس دو راهه بر روی عامل سیری شناختی در هفت شاخص این پژوهش

نیست. زیرا در هیچ یک از شاخص‌ها تعامل معناداری را نشان نمی‌دهد. بنابر این اثر بخشی عامل سیری شناختی بر روی شاخصهای تعیین شده با توجه به سطح کنترل عمل معنادار نیست. این نتایج نیز هماهنگ با فرضیه‌های این پژوهش است.

بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر «میزان سیری شناختی» بر روی «فرایند کنترل عمل» در «واکنش شکست» است. انتقاد اساسی به نظریه کنترل عمل کول و گوشکه - بعنوان یکی از مهمترین نظریات کنترل عملی که در ارتباط با واکنش شکست مطرح است - این است که علی‌رغم اهمیت بازخوردها و شاکله قصد در این نظریه، نقش بازخوردها در اصلاح عناصر قصد و تأثیر نحوه برخورد با نقصانها، بر روی تنظیم کنترل ارادی عمل مورد بررسی قرار نگرفته است. به همین دلیل مهمترین سؤال مطرح در این

عامل سیری شناختی با دو سطح سیری و گرسنگی شناختی در هفت شاخص بکارگرفته شده در این پژوهش را نشان می‌دهد. همانگونه که در ستون معناداری این جدول دیده می‌شود دو گروه سیری و گرسنگی شناختی به لحاظ شاخصهای «درصد میزان موفقیت» (سطر ۲ جدول ۵)، «متوسط نمرات قابل دستیابی» (سطر ۳ جدول ۵)، «لغات بازیابی شده در کل» (سطر ۴ جدول ۵) و «تعداد شکستها» (سطر ۷ جدول ۵) با هم تفاوت معنادار وجود دارد. به لحاظ شاخص متوسط سطح تکالیف گزیده شده (سطر ۱ جدول ۵) میان دو گروه سیری و گرسنگی تفاوت معنادار وجود دارد البته برخلاف شاخصهای قبلی سطح معناداری این شاخص با ضریب خطای ۹۵٪ است.

همچنین نتایج اجرای واریانس دو راهه همانگونه که در جدول شماره ۴ آمده است، نشان داد که تعامل عامل سیری شناختی و عامل کنترل عمل معنادار

متغیرها	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری	توان آماری
۱ متوسط سطح تکالیف گزیده شده	۱	۰/۱۵۷	۰/۴۰۵	۰/۵۲۶	۰/۰۲۶
۲ درصد میزان موفقیت	۱	۲۷۷/۸۸۵	۰/۵۶۹	۰/۴۵۲	۰/۰۳۴
۳ متوسط نمرات قابل دستیابی	۱	۶۷۵/۲۴۰	۰/۰۶۳	۰/۸۰۲	۰/۰۱۲
۴ لغات بازیابی شده در کل	۱	۱۵/۳۸۵	۰/۵۰۲	۰/۴۸۰	۰/۰۳۱
۵ لغات بازیابی شده مهم	۱	۶/۵۰	۰/۸۷۶	۰/۳۵۲	۰/۰۴۹
۶ طول مدت شکست	۱	۶۲/۶۰۴	۱/۷۷	۰/۱۸۶	۰/۱۰۳
۷ تعداد شکست‌ها	۱	۱۹۰۱۸۸۵/۵۴	۲/۳۶۵	۰/۱۲۷	۰/۰۶۸

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس دو راهه بر روی عامل حالت کنترل عمل در هفت شاخص این پژوهش

- 1- Justice in evaluation
- 2- Behavioral Justice



متغیرها	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری	توان آماری
۱ متوسط سطح تکلیف گزیده شده	۱	۰/۰۴۵	۰/۱۱۷	۰/۷۳۳	۰/۰۱۴
۲ درصد میزان موفقیت	۱	۳۴۷/۱۱۵	۱/۱۴۴	۰/۲۸۷	۰/۰۶۴
۳ متوسط نمرات قابل دستیابی	۱	۱۸۱۹/۴۷۱	۰/۲۳۴	۰/۶۳۰	۰/۰۱۹
۴ لغات بازیابی شده در کل	۱	۲۴/۰۳۸	۰/۸۷۶	۰/۳۵۲	۰/۰۴۹
۵ لغات بازیابی شده مهم	۱	۶/۵۰	۰/۸۷۴	۰/۳۵۲	۰/۰۴۹
۶ طول مدت شکست	۱	۱۳۸/۰۱۸	۳/۹۸۶	۰/۰۶۹	۰/۱۷
۷ تعداد شکست‌ها	۱	۱۴۵۰۴۵۶/۹۶۲	۰/۹۶۷	۰/۳۲۸	۰/۰۵۴

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس دو راهه بر روی عامل حالت کنترل عمل و عامل سیری شناختی در هفت شاخص این پژوهش

تفاوت معنادار بین گروه سیری و گرسنگی شناختی به لحاظ شاخصهای نامبرده است و تأییدی است بر عملکرد موفقیت آمیز دستورالعمل بکاررفته در آزمایش علمی. آزمودنیها در گروه سیری شناختی، بطور معنادار نقش عمل خود را در تحقق قصد به لحاظ هر سه شاخص بالاتر ارزیابی کرده‌اند. به کلامی دیگر آنها سطوح دشواری را بعنوان هدف تعیین کردند، احتمال موفقیت خود را در انجام تکلیف حسی - حرکتی بالاتر تخمین زدند و متوسط نمرات قابل دستیابی بالاتری را، در انجام تکلیف حسی - حرکتی اعلام کردند. بدین ترتیب افراد در گروه سیری شناختی، بطور معنادار توان خویش را در انجام تکلیف بالاتر از گروه گرسنگی شناختی سنجیده‌اند.

بر اساس فرضیه دیگر این پژوهش، میان گروه عملگرا و شرایطگرا تفاوت معناداری به لحاظ این سه شاخص وجود ندارد و یافته‌ها تأیید کننده این فرضیه نیز هستند. بر اساس مفروضات این پژوهش، عامل مهمی که توان تنظیم ارادی را تعیین می‌کند نه حالات وضعیت گرا و شرایط گرا، بلکه میزان سیری یا گرسنگی شناختی است. این عامل موجب می‌شود که در عناصر تشکیل دهنده قصد - از طریق دامنه تمرکز گسترده تر و جستجوی اطلاعات بیشتر - نقصان برطرف گردد. مقایسه دو گروه عملگرا و شرایطگرا به لحاظ شاخصهای مربوطه به وضوح

پژوهش، این بود که چه عامل یا عواملی بر تنظیم عمل یعنی استفاده و یا عدم استفاده از اطلاعات در جهت اصلاح عناصر قصدمندی تأثیر می‌گذارند. سازه «سیری شناختی» و دو فرض این پژوهش سعی در پاسخگویی به این سؤال دارند.

بر اساس فرض اول، در هر عمل یکی از دو کارکرد ابزاری و یا شناختی در الویت بالاتری قرار می‌گیرد و فرایند تطبیق شناختی و کارآمدی کنترل عمل متأثر از نحوه رجحان یکی از این دو کارکرد است. فرض دوم، پاسخ به این سؤال است که چه عاملی موجب رجحان یکی از دو کارکردهای عمل می‌گردد. بر اساس فرض دوم، میزان سیری شناختی، عامل تعیین کننده نحوه رجحان کارکرد عمل است. بر اساس این مفروضات، در سه فرضیه اصلی این پژوهش، میزان «انتظار مربوط به نقش عمل در راستای تحقق قصد»، میزان «دامنه تمرکز» و «واکنش شکست» در دو گروه آزمایش مقایسه گردید.

طبق فرضیه اول، میان گروه سیری و گرسنگی شناختی به لحاظ متغیر «انتظار مربوط به نقش عمل در راستای تحقق قصد» یعنی به لحاظ شاخصهای ۱: انتخاب سطح دشواری اهداف، ۲: تخمین میزان درصد موفقیت و همچنین ۳: متوسط نمرات قابل دستیابی در انجام تکلیف حسی - حرکتی، تفاوت معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش، مؤید



آمادگی برای تغییر و روبرویی با بازخوردها کمتر است. انتخاب تکالیف بسیار دشوار یا بسیار آسان نیز یکی از راهکارها جهت امتناع از روبرویی با بازخوردها است. معنادار شدن تفاوت در میزان «لغات بازیابی شده بطور کل»، مؤید دامنه محدودتر تمرکز در گروه سیری شناختی است. یافته ای که مطابق با فرضیه سه و چهار این پژوهش است.

از عواملی که می تواند موجب عدم معنادار شدن تفاوت، در شاخص «لغات بازیابی شده مهم» و «طول مدت شکست» باشد، پیچیدگی و جذابیت تکلیف حسی-حرکتی است، آنگونه که قطع آزمون برای آنها دشوار بوده و فرصت کافی نیز برای توجه به سمت دیگر صفحه رایانه نداشته اند.

سؤال اصلی که این پژوهش بدان پرداخت، نحوه واکنش شکست و تأثیر سیری شناختی بر روی آن بود. بر اساس فرضیه پنجم این پژوهش، میان گروه سیری و گرسنگی شناختی تفاوت معناداری به لحاظ متغیر «واکنش شکست» وجود دارد. یعنی به لحاظ شاخصهای ۱: طول مدت زمان تارهایی قطعی قصد و ۲: تعداد شکستها. تفاوت معنادار بین دو گروه سیری و گرسنگی شناختی و تعداد بیشتر شکستها در گروه سیری شناختی تا هنگام رهایی قصد، تأیید کننده این فرض پژوهش است که رجحان کارکرد ابزاری و عدم توجه به اطلاعات جدید در بازخوردها موجب می شود که فرد خود را متعهد به نتایج عمل کرده و به همین دلیل خطا و شکست در عمل بعنوان «باختن» و «از دست دادن» ارزیابی شود. این نحوه ارزیابی، زمینه را برای واکنشهای شکست آسیب زا و ابتلا به انفعالهای طولانی مدت و تلاش برای جبران (عدم توانایی اعلام پایان عمل و برداشتن تعهد برای تحقق قصد) مهیا میسازد. بالعکس رجحان کارکرد شناختی، بدلیل توجه به اطلاعات جدیدی که از طریق بازخوردها دریافت می شوند و در اصلاح ساختارهای شناختی و عناصر تشکیل دهنده قصد،

نشان میدهد که میان دو گروه به لحاظ «نوع انتظار مربوط به نقش عمل» تفاوت معناداری وجود ندارد. به کلامی دیگر، آنچه که تعیین کننده تغییر نوع انتظار از نقش عمل (کارکرد شناختی و کارکرد ابزاری) است، عامل سیری شناختی است و نه حالت کنترل عمل.

اما آیا تغییر در حالت سیری و یا گرسنگی شناختی موجب میشود که افراد از طریق دامنه تمرکز گستردهتر، تلاش در جهت گردآوری اطلاعات لازم انجام دهند؟ بر اساس فرض سوم و چهارم این پژوهش، میان گروه سیری و گرسنگی شناختی تفاوت معناداری به لحاظ متغیر «میزان دامنه تمرکز» وجود دارد. یعنی به لحاظ شاخصهای ۱: میزان تعداد لغات بازیابی شده در کل و ۲: میزان تعداد لغات بازیابی شده مهم (لغاتی که طبق دستورالعمل آزمایش ضرورتی برای توجه به آنها وجود نداشته ولی با این حال آنها نیز در دایره توجه آزمودنی قرار گرفته اند). اما این تفاوت در بین گروه عمل گرا و شرایط گرا وجود ندارد.

به کمک این شاخصها نحوه تعامل اطلاعاتی آزمودنیها مورد مطالعه قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان میدهد که صرف نظر از نحوه کنترل عمل فعال شده، عامل میزان سیری شناختی به تنهایی، تنظیم کننده تعامل شناختی فرد با محیط خود است. افراد در شرایط گرسنگی شناختی با توجه بیشتری به محیط اطراف، تحقق اهداف خود را دنبال میکنند. برخلاف دو گروه عملگرا و شرایطگرا، بین گروه سیری و گرسنگی شناختی فقط به لحاظ یکی از شاخصهای این متغیر تفاوت معنادار وجود دارد. گروه سیری شناختی بطور معنادار لغات کمتری را در کل بازیابی کرده اند. بر اساس فرضیه های پژوهش حاضر، در حالت سیری شناختی، سیستم شناختی فرد بطور نسبی بسته تر است. بدین معنی که دامنه تمرکز محدودتر، تحرک تمرکز پایین تر و



مقطع زمانی حس میکنند، به هم تبدیل می شوند. سیستم دمکراسی نیز با توجه به میزان سیری شناختی که در هر زمان خاص لمس کند، می تواند مبدل به نحوه مدیریت دیکتاتوری شود. شکستها و تهدید به فروپاشی میتواند در مدیریتهای دیکتاتوری نیاز به تغییر و اصلاح عناصر قصد ایجاد کند (گرسنگی شناختی ایجاد شود). نمونه های آن هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی همواره وجود داشته و دارند.

تأثیر می گذارند، موجب می شود که فرد خود را بیشتر به جنبه شناختی عمل متعهد بداند و خطا و شکست، صرف از دست دادن و باخت ارزیابی نشود. کسب و اضافه شدن به تجربه و آگاهی و یا امکان طرح سؤالیهای دقیق تر، احتمال بروز واکنش شکست مثبت بالاتر می برد.

به لحاظ کاربردی در عرصه بالینی خصوصاً در درمان اختلالات افسردگی ناشی از شکستهای پی در پی، میتواند این یافته در فرم راه کارهای عینی، همانند ایجاد تغییر شناختی در تعبیر شکستها به صحنه های فراگیری و امکانی برای اصلاح عناصر قصدمندی مورد استفاده قرار گیرد.

تفاوت و اهمیت فرضهای مطرح در این پژوهش و طرح متغیر میزان سیری شناختی با رویکرد «حالتهای کنترل عمل» را میتوان در پایان و بطور خلاصه در نقدی از یک مقایسه اجتماعی که یولیوس کول (۱۹۹۶) بکار برده است، بیان کرد. وی تفاوت سه حالت مختلف کنترل ارادی را به سه سیستم مختلف حکومتی تشبیه می کند که در هر یک از آنها نحوه های متفاوت از مدیریت اجرا میشود یعنی مدیریت مبتنی بر اعتبار و اقتدار (خود تنظیمی)، مبتنی بر دیکتاتوری (خود کنترلی) و مبتنی بر دمکراسی (خود سازماندهی) و تفاوت این سه نحوه مدیریت، در میزان ملاکهای سخت گیرانه آنهاست. از دیدگاه این پژوهش، تفاوت در این سه نحوه مدیریت، در تخمین میزان سیری شناختی مدیران است. این تخمین به نوبه خود موجب ایستایی یا پویایی آنها خواهد شد. ملاکهای کنترل ارادی، هنگامی دیکتاتوری خواهد شد که در مقابل علائمی که اشاره به ضرورت تغییر دارند، بایستند (احساس سیری شناختی داشته باشد). شرط ضروری ایجاد چنین حالتی، عدم نیاز برای تغییر شرایط موجود است. نحوه های هر سه مدیریت، حالات با ثباتی در طول زمان نیستند و با توجه به میزان سیری و یا گرسنگی شناختی که در هر

References

- Bandura, A. (1977). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. *Psychological Review*, 48, pp. 191 - 215.
- Beckmann, J. & Kuhl, J. (1984). Altering information to gain action Control: Functional aspects of human information processing in decision making. *Journal of Research in Personality*, 18, 224-237.
- Beckmann, J. (1990). Wann wirken sich ungünstige Bedingungen Leistungsfordernd aus? Überprüfung eines Zwei-Ebenen-Modells der Handlungskontrolle. *Zeitschrift für experimentelle und angewandte Psychologie*, 37, 16-30.
- Berkson, W. & Wettersten, J. (1984). Learning from error: Karl Popper's psychology of learning. LaSalle, IL: Open Court.
- Beckmann, J. (1994). *Motivation and Emotion*, Vol. 18, No. 4, 1994
- Bortz, J. (1984). *Lehrbuch der empirischen Forschung für sozialwissenschaftler*. Berlin: Springer.
- Bortz, J. (1993). *Statistik für sozialwissenschaftler* (4. Auflage). Berlin: Springer
- Brunstein, J. C. (1989). Handlungsorientierte versus lageorientierte Reaktionen auf versuchsinduzierte Mißerfolgserlebnisse. *Zeitschrift für experimentelle und angewandte Psychologie*, 3, 349-367.



- Brunstein, J. C. (1995). *Motivation nach Mi?erfolg*. Bern; Toronto; Seattle: Hogrefe
- Gollwitzer, P.M. (1991). *Abw?gen und Planen, Bewu?tseinslagen in verschiedenen Handlung sphasen*. G?ttingen: Hogrefe.
- Gollwitzer, Peter M.; Parks-Stamm, Elizabeth J.; Jaudas, Alexander; Sheeran, Paschal (2007): *Flexible Tenacity in Goal Pursuit*. *Handbook of motivation science* / ed. by James Y. Shah ... New York: Guilford Pr., 2007, pp. 325-341
- Goschke, T. (1996). *Wille und Kognition: Zur funktionalen Architektur der interntionalen Handlungssteuerung*. In J. Kuhl, & H. Heckhausen (Hrsg.), *Motivation, Volition und Handlungssteuerung*. *Enzyklop?die der Psychologie*. Band 4 (pp.583-643)
- Heckhausen, H. (1989). *Motivation und Handeln*. Berlin: Springer.
- Henderson, Merlone D. ; Gollwitzer, Peter M. ; Oettingen, Gabriele (2007): *Implementation Intentions and Disengagement from a Failing Course of Action*. *Journal of Behavioral Decision Making* 20 (2007), 1, pp. 81-102.
- Inger Rosengren (1972). *Frequenzw?rterbuch der deutschen Zeitungssprache*.
- Jonas, Klaus, Stroebe, Wolfgang, Hewstone, Miles and Reiss, Matthias (2007) *Sozialpsychologie: Einf?hrung*, Springer, Berlin.
- K?stle, G. (1988). *Anlage- und umweltbedingte Determinanten der Handlungs- und Lageorientierung nach Mi?erfolg im Vergleich zu anderen Pers?nlichkeitseigenschaften: Eine empirische Untersuchung an 22 ein- und zweieiige Zwillingspaaren*. Unver?ffentlichte Dissertation, Universit?t Osnabr?ck.
- Kuhl, J. (1978b). *Motivation und Handlung skontrolle: Ohne guten Willen geht es nicht*. In H. Heckhausen, P.M. Gollwitzer & F. E. Weinert (Hrsg.), *Jenseits des Rubikon. Der Wille in den Humanwissenschaften* (pp.101-120). Berlin: Springer.
- Kuhl, J. (1981): *Motivational und functional helplessness. The Moderating effect of state vs. action orientation*. *Journal of Prsonality and social psychology*, 40, 155-170.
- Kuhl J. (1983a). *Handlungs- und Lageorientierung: Empirische Untersuchung zu einem Perseverationsmodell der Handlung skontrolle*. In J. Kuhl, *Motivation, Konflikt und Handlung skontrolle* (pp.251-301).
- Kuhl J. (1984a). *Volition and personality, action vs. state orientation*, Hogrefe & Huber.
- Kuhl J. (1984b). *Handlungs- und Lageorientierung; Forschungsbericht aus dem Fachbereich Psychologie der Universit?t Osnabr?ck*.
- Kuhl, J. (1994b). *Handlungs- und Lageorientierung; Forschungsbericht aus dem Bereich Psychologie der Universit?t Osnabr?ck*.
- Kuhl, J. (1994c). *A theory of action versus state orientation*. In J. Kuhl & J Beckmann (Eds.), *Volition and personality* (pp. 9-46). Seattle: Hogrefe & Huber.
- Kuhl, J. (1996). *Wille und Freiheitserleben: Formen der Selbststeuerung*. In J. Kuhl, & H. Heckhausen (Hrsg.), *Motivation, Volition und Handlungssteuerung*. *Enzyklop?die der Psychologie C/4/4* (Seite 655-765).G?ttingen: Hogrefe.
- Kuhl; J. & Beckmann, J. (1983). *Handlungskontrolle und Umfang der Informationsverarbeitung: Wahl einer vereinfachten (nicht optimalen) Entscheidungsregel zugunsten rascher Handlungsbereitschaft*, *Zeitschrift f?r Sozial psychologie*, 2, 1-27.
- Kuhl; J. & Beckmann, J. (1994a). *Volition and personality, Action versus state orientation*. Hogrefe & Huber.
- Kuhl, J. & Goschke, T. (1994a). *A theory of action control: Mental Subsystem, modes of control, and volitional conflict resolution strategies*. In J. Kuhl & J. Beckmann (Eds.), *volition and personality* (pp. 93-126). Seattle: Hogrefe & Huber.
- Kuhl, J., & Kaz?n, M. (2004). *Handlungs- und Lageorientierung: Wie lernt man, seine Gef?hle zu steuern*. In J. Stiensmeier-Pelster & F. Rheinberg (Eds.), *Tests und Trends: Motivation*. G?ttingen: Hogrefe.
- Quirin, M., & Kuhl, J. (2009). *Theorie der Pers?nlichkeits-System-Interaktionen*. In V. Brandst?tter-Morawietz & J. H. Otto (Eds.), *Handbuch der Allgemeinen Psychologie: Motivation und Emotion* (pp. 157-162). G?ttingen: Hogrefe.
- Quirin, M. & Kuhl, J. (2009). *Handlung skontrolltheorie [Theory of Action Control]*. In V. Brandst?tter-Morawietz & J. H. Otto (Eds.), *Handbuch der Allgemeinen Psychologie: Motivation und Emotion* (pp. 163-173). G?ttingen: Hogrefe.
- Schaub, H. (1993). *Modellierung der Handlung sregulation* (10-30). Berlin: Huber.
- Scheffer, D., & Kuhl, J. (2008). *Volitionale Prozesse der Zielverfolgung*. In U. Kleinbeck &



Schmidt (Eds.), Enzyklop?die der Psychologie, Vol XX: Wirtschafts-, Organisations- und Arbeitspsychologie. G?ttingen: Hogrefe.

Sch?npflug, Wolfgang (2004). Geschichte und Systematik der Psychologie, Ein Lehrbuch f?r das Grundstudium, Beltz Verlag, Weinheim, Basel.

Strohner, H. (1995). kognitive Systeme: Eine Einf?hrung in die Kognitionswissenschaft. Opladen: Westdeutscher Verlag.

Stefan St?rmer (2009) Sozialpsychologie, UTB, Stuttgart.